



## بررسی میزان اعتماد اجتماعی و تاثیر آن در توسعه سکونتگاه های غیررسمی (محله احمدآباد شهر بجنورد)

مهدی وطن پرست<sup>۱</sup>، فاطمه جمعه دیزاوندی<sup>۲</sup> محسن صفرپور<sup>۳</sup>

۱- دکتری جغرافیا برنامه ریزی شهری، استادیار گروه جغرافیا برنامه ریزی شهری دانشگاه آزاد واحد شیروان

۲- کارشناسی ارشد جغرافیای طبیعی (رئیس گروه نقشه و اطلاعات مکانی)

۳- کارشناسی ارشد جغرافیای شهری

dizavandi@gmail.com

### چکیده

رشد سریع شهرنشینی در دهه های پیشین که روندی غیر قابل پیش بینی داشت باعث بروز معضلات و چالش هایی در سراسر جهان شد، که البته در جوامع کمتر توسعه یافته اثرات بیشتری برجای گذاشت. در میان معضلات شهری، حاشیه نشینی و اسکان های غیررسمی به عنوان آیینیه تمام نمای مسائل اجتماعی و شهری، بیانگر کیفیت حاکم بر زندگی بخش قابل توجهی از افراد جامعه در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، شهری و .. می باشد. سکونتگاه غیررسمی احمدآباد در بخش جنوبی شهر بجنورد، از این مسائل و آسیب ها بدور نمانده است. وجود اعتماد اولین و مهمترین عامل در بهبود اوضاع اجتماعی و بهسازی بافت های ناکارآمد شهری است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است. برای گردآوری اطلاعات بر اساس روش مورگان ۲۲۶ پرسشنامه در محله احمدآباد توزیع و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته شده است.

نتایج حاصله نشان داد: محل تولد ۷۱ درصد پاسخگویان در روستا بوده، ۷۰ درصد پاسخگویان مدت اقامت خود را در محله احمدآباد کمتر از ۱۰ سال عنوان نموده اند. ۵۷ درصد پاسخگویان زیردپلم و ۴۹ درصد داری میزان درآمد ماهانه کمتر از ۳۰۰ هزار تومان داشته اند. وضعیت مشاغل ساکنان محله بصورت کارگری در مشاغل غیررسمی و غیر تخصصی می باشد. ۷۷ درصد مردم دارای اعتماد اجتماعی از نوع تعمیمی و سعی در همکاری و مشارکت در مسائل و مشکلات محله خود داشته اند و از محله زندگی خود رضایت دارند و از احساس تعلق شهروندی بالایی برخوردار هستند، اما از سطح اعتماد به نهاد های ذی ربط دارای سطح پایینی می باشد. بهبود زیرساخت های فیزیکی محله مهم ترین اولویت آنان برای بهبود وضعیتشان محسوب می گردد. در راستای بررسی میزان از نتایج به دست آمده نشان از سطح پایین اعتماد کلی مردم از نهادهای از جمله شهرداری، مسکن و شهرسازی و سایر ارگان های مرتبط ... را اعلام داشته اند و بیشترین میزان اعتماد به مراکز آموزشی در نزد ساکنین محله بوده است که راهکارهایی با در نظر گرفتن محور عمل بودن افزایش اعتماد و در نتیجه تسریع روند توسعه شهری ارائه شده است.

**کلمات کلیدی:** سکونتگاه غیررسمی، اعتماد اجتماعی، مشارکت تعمیمی و نهادی، محله احمدآباد بجنورد.



## ۱- مقدمه

سکونتگاههای غیررسمی<sup>۱</sup>، بخش های پراکنده مورد غفلت واقع شده ای از شهر و پیرامون آن هستند که شرایط زندگی و مسکن در آنجا به شدت پایین و نامناسب است. در واقع شهرنشین شدن در جهان سوم منجر به روستایی شدن شهرها شده است (هاروی، ۱۳۷۶: ۳۶۸). اسکان غیررسمی، محصول شهرنشینی شتابان و مشکلات اقتصادی کشورها و خصوصاً کشورهای در حال توسعه می باشد. سری نیواز (۱۹۹۱) معتقد است یک سکونتگاه غیررسمی می تواند بعنوان یک ناحیه مسکونی تعریف شود که بدون اخذ مجوزهای رسمی و قانونی از مسئولان مربوطه، ساخته می شود. در نتیجه وضعیت غیرقانونی و یا نیمه قانونی، زیر ساخت ها و خدمات معمولاً ناکافی هستند<sup>۲</sup>. رشد چنین سکونتگاه هایی مشکلات زیادی در ابعاد اقتصادی- اجتماعی و کالبدی در کلان شهرها به همراه داشته است (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۳).

"بنا بر گزارش سازمان ملل، در سال ۲۰۰۵ بیش از ۵۰٪ جمعیت جهان در شهرها زندگی می کردند که یک سوم آنها در سکونتگاه های غیررسمی بدون هیچ امنیت سکونت بصری بودند. قاره آسیا در این سال حدود ۶۰٪ جمعیت حاشیه نشین را در خود جای داده است. راهبردی که از دهه ۱۹۸۰ در دنیا برای این سکونتگاه ها در دستور کار قرار گرفته، توانمند سازی این سکونتگاه ها با تکیه بر مشارکت مردمی بوده است. با توجه به این مسئله در ایران توجه جدی دولت به اسکان غیر رسمی به سال ۱۳۸۲ باز می گردد (شیخی، ۱۳۸۰).

اسکان غیررسمی به سبب ایجاد فقر و گسترش آن و نیز به مخاطره انداختن محیط زیست و تحمیل هزینه های سنگین برای حل مشکلات، تهدیدی جدی برای پایداری و انسجام جامعه شهری تلقی شده به گونه ای که نیاز اتخاذ تدابیر ویژه ای برای ساماندهی وضعیت کنونی و جلوگیری از گسترش آن در آینده بایستی در دستور کار مدیران و دولتمردان قرار بگیرد (نقدی و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۲۰).

مطالعات اجتماعی و جامعه شناسی شهری بیانگر ارتباط مستقیم بین شاخص اعتماد ساکنین با میزان توسعه در سکونتگاه های غیر رسمی می باشد. از طرفی مطالعات نشان داده است تا زمانی که اعتماد به یکدیگر در سطح بالایی وجود نداشته باشد، تصمیم گیری مشارکتی تحقق نخواهد یافت، این موضوع در ارتباط با نوسازی بافت های فرسوده شهری نیز مصداق دارد. این به مفهوم نقش مهم اعتماد در بین مردم به یکدیگر و ارگان های دولتی در سطح شهریشان دارد و باید در کنار موارد دیگر مورد بررسی قرار گیرد و در صورت عدم اعتماد در بین مردم باید راهکارهایی برای افزایش این اعتماد به کار برد تا روند نوسازی در بافت های فرسوده و سکونتگاههای غیررسمی شهری با سرعت و اطمینان بالاتری به مسیر خود در راستای دست یابی به اهدافش گام بردارد.

این پژوهش با بررسی میزان اعتماد اجتماعی در بین ساکنین محله احمدآباد به عنوان سکونتگاه غیررسمی شهر بجنورد و تاثیر آن در توسعه سکونتگاه مربوطه و نیز ارائه پیشنهاد هایی جهت افزایش میزان اعتماد مردم محله و سازمان های مربوطه و ارائه راهکارهایی جهت تسریع روند توسعه شهر بجنورد می باشد.

## ۲- روش تحقیق

روش تحقیق از نوع تحلیلی-توصیفی بوده و روش گردآوری اطلاعات به کار برده شده از طریق مشاهده محله و توزیع پرسشنامه در میان ساکنین محله احمدآباد بوده است، که در نهایت پس از گردآوری، تمامی اطلاعات مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

## ۳- اعتماد اجتماعی

واژه "Trust" در فرهنگ آکسفورد به عنوان اتکا یا اطمینان به نوعی کیفیت یا صفت یک شخص یا یک چیز، یا اطمینان به حقیقت یک گفته توصیف می شود (گیدنز، ۱۳۷۷: ۳۷). اعتماد اجتماعی را می توان داشتن حسن ظن به دیگران در روابط اجتماعی، که دارای دو طرف اعتماد کننده (Trustee) و اعتماد شونده (Truster)، فرد یا گروه، است دانست که تسهیل کننده روابط اجتماعی بوده و امکان سود یا زیان را در خود نهفته دارد (امیرکافی، ۱۳۸۰: ۱۱).

مسئله اعتماد در دهه ۱۹۸۰ با تلاش های فکری گسترده نیکلاس لومان (Niklas Luhmann) و برنارد باربر (Bernard Barber) از حاشیه به جایگاهی مهم در اندیشه اجتماعی نائل شده است.

در سال ۱۹۷۹ لومان تحلیل عمیقی از اعتماد را منتشر نمود که اعتماد را به رشد پیچیدگی، عدم قطعیت و مخاطره که جامعه معاصر با آن ها شناسایی می شود، ارتباط داده بود. برای اولین بار این پیشنهاد مطرح شد که اعتماد نه به دلیل منسوخ شدن جامعه سنتی بلکه برعکس با توسعه اشکال اجتماعی جدید، که واقعیتهای اجتنابناپذیر در دوره مدرنیته شده اند، اهمیت پیدا کرده است. در ۱۹۸۳ باربر مظاهر مربوط به اعتماد را در عرصه های مختلف نهادی و حرفه ای جامعه مدرن مورد بررسی قرار داد و سنخ شناسی مفیدی بر مبنای نوع انتظاراتی که مربوط به اعتماد می شوند طراحی نمود. در ۱۹۸۴ ساموئل ایزنشتاد و لوییس رونیجر اعتماد را به عنوان عنصر محوری در روابط وکیل-موکل، به صورت های مختلفی که از روزگار باستان تا مدرنیته ظاهر شده اند، مورد بررسی قرار دادند. در ۱۹۸۸ دیگو گامبتا، تعدادی از نویسندگانی را که به اعتماد و بی اعتمادی در مجموعه های متنوع و از دیدگاه های مختلف نگاه کرده بودند در کنار یکدیگر قرار داد و تحلیلی از اعتماد در اجتماعات بسته و انحصاری مانند مافیا را ارائه نمود. در ۱۹۹۰ جیمز کلن دو فصل از کار مفصلش در مورد نظریه اجتماعی را به موضوع اعتماد اختصاص داد و مدلی را برای تحلیل اعتماد به عنوان نوعی مبادله صرفاً منطقی در چارچوب نظریه انتخاب منطقی ارائه نمود. این مسیر در دهه ۱۹۹۰ با نوشته های راسل هاردین، کسی که اخیراً چارچوب انتخاب منطقی را با تحلیل



بی‌اعتمادی بسط داد، دنبال شده است. در دهه ۱۹۹۰ آنتونی گیدنز جامعه‌شناس معاصر انگلیسی، ابتدا به‌تنهایی و سپس با اولریش بک و اسکات لث، اعتماد را به‌عنوان صفت مشخصه پایان مدرنیته دانسته‌اند که بسط اندیشه لومانی از پیچیدگی، عدم قطعیت و مخاطره می‌باشد. در ۱۹۹۵ فرانسیس فوکویاما، تفسیر و دفاع جامعی از اعتماد به‌عنوان عنصر حیاتی نظام‌های اقتصادی پویا ارائه نمود و تاکید بخشش را بر تجربه چین، ژاپن و دیگر جوامع آسیای جنوب شرقی قرار داد. در ۱۹۹۷ آدام سیلگمن تفسیری از اعتماد را به‌عنوان پدیده مخصوص دوره جدید که با تقسیم کار، تمایز و تکثیر نقش‌ها و نتایج انتظارات پیوند دارد، ارائه کرد. (زومکا، ۱۳۸۶: ۲) هم‌اکنون به‌رغم همه تفاوت دیدگاه‌ها در مورد اعتماد، جامعه‌شناسان به این واقعیت ساده و مشخص پی برده‌اند که بدون اعتماد زندگی اجتماعی روزمره‌ای که آن را مسلم و بدیهی می‌پنداریم غیرممکن می‌باشد (زومکا، ۱۳۸۶: ۲)

#### ۴- سیر تاریخی مفهوم اعتماد از دیدگاه جامعه‌شناسی

الف) از منظر کلاسیک؛ جامعه‌شناسان کلاسیک مسأله اعتماد را در رابطه با نظم اجتماعی و از منظر کلان مورد بررسی قرار داده‌اند. مهم‌ترین مسأله برای بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی، اعتماد و همبستگی اجتماعی است، یعنی بدون انسجام و نوعی اعتماد، پایداری نظم اجتماعی غیر ممکن است (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۲) فردیناند تونیس از جمله اندیشمندانی است که معتقد است روابط مبتنی بر اعتماد تنها در گمین‌شافت وجود دارد، و این نوع روابط در گزل‌شافت با آن شدت وجود ندارد. جورج زیمل با طرح مبادله و بیان منافع پشت‌سر آن، اعتماد را یکی از مهم‌ترین ضرورت‌های مبادله قلمداد کرده است. به اعتقاد او بدون اعتماد عمومی افراد به یکدیگر، جامعه تجزیه می‌شود. ماکس وبر ضمن تاکید ویژه بر کنش اجتماعی و نیت‌مندی معانی، معتقد بود منافع موتور کنش هستند و اعتماد همچون ارزشی که در لایه‌های پسین کنش‌هاست، می‌تواند به کمک منافع عمل‌گرایانه ایجاد و مستحکم شود. (باربارا، ۱۳۸۰) همچنین امیل دورکیم براساس تئوری مناسک، معتقد است افراد در غلبان ناشی از اعیاد و جشن‌های اجتماعی از طریق اعمال مشترک و کردارهایی همانند، پای‌کوبان و غریوکنشان به هم نزدیک شده و نوعی همدلی باهم پیدا می‌کنند و این همدلی و نزدیکی، اطمینان و اعتماد متقابل را ایجاد می‌کند. (افشانی، ۱۳۸۸: ۶۲)

ب) از منظر معاصرین؛ کسب جایگاه مهم مسأله اعتماد در تاریخ اندیشه اجتماعی از دو منبع سرچشمه می‌گیرد:

- ۱- تغییر جهت جامعه‌شناسی از تاکید بر جمع‌های اجتماعی و ساختارها به تاکید بر افراد و کنشگران. به‌عبارتی چرخش از انگاره‌های سخت به انگاره‌های نرم اخلاقی و قرار گرفتن فرهنگ (که اعتماد از عناصر مثبت آن است) در رأس مسائل جامعه‌شناسی.
- ۲- ویژگی‌های خاص جامعه انسانی در پایان قرن بیستم، تنگناها و چالش‌های دوره تجدد که میزانی از اعتماد را در میان کنشگران اجتماعی، برای تداوم عمل نظم اجتماعی مورد نیاز می‌باشد. (زومکا، ۱۳۸۶: ۲)

#### ۵- سطوح اعتماد اجتماعی

در یک تقسیم‌بندی کلی اعتماد را می‌توان در چهار سطح مورد بررسی قرار داد، اعتماد بنیادین که در سطح فردی و روان‌شناسی بررسی می‌شود، اعتماد بین‌شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد به نظام یا سیستم که در سطح جامعه‌شناسی بحث می‌شود.

- ۱- اعتماد بنیادین (Basic trust)؛ اعتماد بنیادی نگرشی است که فرد نسبت به خود و دنیای پیرامون خود دارد و موجب تقویت این احساس می‌شود که افراد و امور دنیا قابل اعتماد و دارای ثبات و استمرار هستند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۲۳).
- ۲- اعتماد بین‌شخصی (Interpersonal trust)؛ اعتماد بین‌شخصی شکلی از اعتماد است که در روابط چهره به چهره خود را نشان می‌دهد. این شکل از اعتماد موانع ارتباطی را مرتفع می‌سازد و با کاستن از حالت دفاعی، بسیاری از تعاملات روزانه را موجب می‌شود. اعتماد بین‌شخصی حوزه‌ای از تعاملات میان عشاق، دوستان و همکاران و همچنین اعتماد میان رئیس و کارمند، سرپرست و کارگر، معلم و شاگرد، فروشنده و مشتری، پزشک و بیمار و ... را دربر می‌گیرد. مشکل اصلی اعتمادی که از تجربه تعامل شخصی ایجاد می‌شود محدود بودن قلمرو آن است و در جامعه‌ای که تحرک و نیازها به همکاری با غریبه‌ها و اتکا به آن‌ها یکی از ویژگی‌های برجسته آن است چندان راه‌گشا نیست (امیرکافی، ۱۳۸۰: ۱۰).
- ۳- اعتماد تعمیم‌یافته (Generalized trust)؛ اعتماد تعمیم‌یافته را می‌توان داشتن حسن ظن نسبت به اکثریت افراد جامعه جدای از تعلق آن‌ها به گروه‌های قومی و قبیله‌ای تعریف نمود (امیرکافی، ۱۳۸۰: ۹).
- ۴- اعتماد به نظام یا سیستم؛ در جامعه مدرن الزاما دو سوی فرایند ارتباط را ارتباط‌گران انسانی تشکیل نمی‌دهند، بلکه انسان‌ها گاهی با کنش‌گران غیرفردی ارتباط برقرار می‌کنند. به این ترتیب شکل دیگری از اعتماد مطرح می‌شود که متوجه ساختارهای غیرشخصی است. در این مورد به دو نوع اعتماد نهادی و اعتماد مدنی یا انتزاعی اشاره شده است.

الف) اعتماد نهادی: اعتماد نهادی دلالت دارد بر میزان مقبولیت و کارایی و اعتمادی که مردم به نهادها (رسمی دولتی) دارند. به تعبیر دوگان انعکاس فقدان اعتماد به نهادها در اغلب موارد نتیجه بی‌اعتمادی به افرادی است که عهده‌دار امور آن نهادها هستند. بنابراین میزان اعتماد نهادی برحسب نوع ارزیابی مردم از کارکنان این نهادها در قالب ادارات، ارگان‌ها و نهادهای مختلفی که در زندگی روزمره با آن‌ها ارتباط دارند سنجیده می‌شود (علی پور، ۱۳۸۸: ۱۱۶). مدرسه، دانشگاه، ارتش، دادگاه، نیروی انتظامی، بانک‌ها، بازار سهام، دولت، مجلس و ... نوعاً از این نوع اعتماد هستند. میزان اعتمادی که مردم به نهادها مختلف دارند در بین جوامع متفاوت است و در طی زمان دستخوش تغییراتی می‌شود (زومکا، ۱۳۸۶: ۸۲).

ب) اعتماد انتزاعی (مدنی): گیدنز نظام‌های انتزاعی را نظام‌های انجام کار فنی یا مهارت تخصصی که حوزه‌های وسیعی از محیط مادی و اجتماعی زندگی کنونی ما را تشکیل می‌دهد. به نظر وی ما از اعتماد به نهادهای مدرن و نظام‌های انتزاعی در موقعیتی که بسیاری از جنبه‌های مدرنیته جهانی



# ماهنامه علمی تخصصی پاپا شهر



شده باشد، ناگزیریم. یکی از معانی قضیه بالا این است که هیچکس نیست که بتواند از نظام‌های تخصصی در نهادهای مدرن کاملاً دوری گزیند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۳۴).

## ۶- سکونتگاه غیررسمی

طی دهه های اخیر به تدریج محلات نابسامان و سکونتگاههای غیررسمی، به طور عمده در حاشیه شهرهای بزرگ کشور، خارج از برنامه رسمی توسعه شهری و به صورت خودرو شکل گرفته و گسترش یافته است. این محلات خودرو یا حاشیه نشین، به بیان درست تر اسکان غیررسمی نامیده شده اند و کارکرد اصلی آنها تامین زمین و الگوی ساخت متناسب با توان مالی گروههای کم درآمد اغلب مهاجر است. حاشیه‌نشینی، پدیده‌ای است که در طول شصت سال گذشته در شهرهای ایران پدیدار شده و به‌طور کلی ناشی از تحولات اجتماعی، اقتصادی و روند شهرنشینی و شهرگرایی ناهمگون ایران، بویژه در نیم قرن اخیر بشمار می‌آید. حاشیه نشینی با این مفهوم که خانوارها و افرادی که در محدوده شهرها، از نظر سکونت، بهداشت، خدمات عمومی و اجتماعی و تسهیلات زیربنایی شهری، در شرایط نامطلوبی زندگی می‌کنند. این افراد، به علت عدم برخورداری از سرمایه، مهارت فنی و حرفه‌ای برای اشتغال در اقتصاد شهری، اکثراً در فعالیت‌هایی درگیرند که در بازار کار شهر غیر مولد تلقی می‌شود (حاج یوسفی، ۱۳۸۱: ۱۳).

## ۷- دیدگاه های نظری سکونتگاه های غیررسمی

**نگرش سیستمی:** سیستم عبارت است از مجموع اجزای ترکیب دهنده اصلی و روابط بین آنها (هاگت، ۱۳۷۶: ۹۸). در نگرش سیستمی مفهوم بسیار مهمی به نام- بازخورد- وجود دارد که در واقع پویایی یا عدم پویایی سیستمها را می‌توان بدان نسبت داد (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۰: ۵۲). اگر ما ناحیه را به عنوان یک سیستم در نظر بگیریم، انواع سکونتگاههای شهری- روستایی و عشایری به عنوان زیرسیستمهای آن عمل می‌کنند و جریان تبادل انرژی، ماده و کالادراین دیدگاه، مهاجرتهای روستا-شهری است که در چهارچوب نظریه سیستمی تفسیر می‌شود (پاپلی یزدی، ۱۳۸۲: ۲۲۷). در عملکرد سیستم ناحیه ای، چهار عنصر اجتماع، دولت، اقتصاد و فناوری، در بروز روند مهاجرت مؤثر هستند و حاشیه نشینان شهری هم عموماً مهاجر می‌باشند. پس می‌توان نتیجه گرفت که اسکان غیررسمی محصول روابط نابرابر همین عناصر در جریان عملکرد سیستم است زیرا نوع سیستم فناوری در سطح جامعه توسط سیستم روابط اجتماعی حاکم تعیین می‌شود (زاهد زهدانی، ۱۳۶۹: ۲۶).

**دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا:** در دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا، شهرهای بزرگ کشورهای جهان سوم، بیانگر جلوه ای از مجموعه ویژگیهای متناقضی هستند. این شهرها درمقایسه با دیگر مناطق یک کشور از امکانات بیشتری برخوردارند و بخش اعظم منابع ثروت و قدرت را در خود جمع کرده اند. در عین حال انواع و اقسام فقر، نابسامانی و ناهنجاری را نیز در خود می‌پروراند (ساعی، ۱۳۷۸: ۹۷). و ضمن این که با انعطاف پذیریهای نهادی، سیاسی و اقتصادی چه در سطح داخلی یا بین المللی روبرو هستند، در حلقه تسلط کشورهای ثروتمند نیز گرفتار شده اند. از طرفی هم در این گونه کشورها، غالباً قدرت سیاسی و اقتصادی با هم در آمیخته و در مناطق نسبتاً پیشرو متمرکز شده است و باعث تشدید نابرابری در سطوح ملی، ناحیه ای و محلی می‌شوند (شیبانی امین و همکاران، ۱۳۹۰: ۳-۲). به عبارتی قطب های قدرت سیاسی، قطب های سرمایه و قدرت اقتصادی نیز هستند که محل آن بزرگترین شهر ناحیه و کشور می‌باشد. از این رو انباشت سرمایه در شهر باعث جذب مهاجران از نقاط محروم به شهر می‌گردد. در شهر نیز از طریق پایین نگه داشتن سطح دستمزدها و افزایش تصاعد قیمت ها (یزدانی بروجنی، ۱۳۸۲: ۳۵۱) حلقه محرومیت را بر این قشر فاقد حامی تنگ تر کرده، بر شدت فقرشان می‌افزاید و آنها را به اسکان غیررسمی وادار می‌کند (حافظ نیا، ۱۳۸۰: ۴۹). نتیجه اینکه اسکان غیررسمی محصول مستقیم روابط سرمایه داری و شبه سرمایه داری است که به دلیل عدم حمایت نهادهای رسمی و قانونی از اقشار بهره‌ده (شریعیات زاده، ۱۳۸۲: ۲۴۵)، آنها از قافله توسعه عقب مانده یا رانده شده اند.

## ۸- معرفی وضعیت اجتماعی محله احمدآباد

محله احمدآباد در شهر بجنورد در نتیجه جذب جمعیت مهاجر برای اشتغال در مراکز صنعتی و کارگاهی شهر بجنورد شکل گرفته است، محله احمد آباد در بخش جنوبی شهر بجنورد قرار گرفته و جزء اراضی خارج از محدوده می‌باشد. این محله دارای ۳۰ هکتار مساحت می‌باشد و دارای بافت نامنظم و آشفته ای است. شکل فیزیکی کلی محله نزدیک به مستطیل با کشیدگی شمالی- جنوبی است بخش های میانی آن فاقد بنا بوده و بصورت رها شده درآمده است. این محله از سه طرف شرق، جنوب و غرب توسط اراضی کشاورزی احاطه گردیده است (اداره کل راه و شهرسازی، ۱۳۹۴). بافت کالبدی محله تا حدودی از الگوی شطرنجی پیروی می‌نماید. ورود به مجموعه از جبهه شمال غربی است و یک محور شمالی جنوبی که در سمت غرب بافت کشیده شده است، دسترسی اصلی مجموعه را تشکیل می‌دهد، معابر دسترسی به بافت عمدتاً از این محور اصلی منشعب می‌گردند. (اداره کل راه و شهرسازی، ۱۳۹۴)

در محله احمدآباد به علت مهاجرت روستائیان به این محله شاهد بروز تضادهای فرهنگی آشکاری هستیم. در کنار تضادهای فرهنگی بین ساکنان از دیگر معضلات این بافت عمدتاً تضاد فرهنگی ساکنان با هویت شهری بجنورد است. در واقع در این محله اغلب شاهد کالبدی شهری و باطنی روستایی هستیم. البته به مرور زمان قشرهای طبقات متوسط نیز به علت شکل گیری خدمات مختلف وارد این محله شده است. نرخ طبیعی جمعیت سکونتگاه غیررسمی احمدآباد از نرخ رشد جمعیت شهری بجنورد پیشی گرفته است. که این موضوع تا حدودی نشان دهنده شرایط مناسب جهت افراد کم درآمد روستایی و زندگی نزدیک شهر می‌باشد.

## ۹- معرفی وضعیت مسکن محله احمدآباد



# ماهنامه علمی تخصصی پاپا شهر



وضعیت فعلی بافت محله احمدآباد که سطح عمده آنرا واحدهای مسکونی تشکیل داده که در محدوده محله پراکنده شده اند. فشرده‌گی ساختمانها در شمال و جنوب محله بیش از مرکز است و بخش میانی تقریباً خالی است، اینبه ساخته شده از وضعیت مناسبی برخوردار نیستند و در احداث آنها صرفه جویی اقتصادی در اولویت اول قرار داشته است (اداره کل راه و شهرسازی، ۱۳۹۴)

از نظر کیفیت ساختمانها در محله احمدآباد درصد عمده خانه های ساخته شده در تقسیم بندی تخریبی قرار می گیرند. بیش از ۲۶۵ واحد مسکونی با مساحت بیش از ۵۲۰۰۰ مترمربع، که معادل ۴۲ درصد از مساحت کل واحدهای مسکونی را شامل می گردد، دارای کیفیت تخریبی می باشد. واحدهای نوساز فقط ۲ درصد و واحدهای در حال ساخت حدود ۱۰ درصد آنها را تشکیل می دهند. بقیه یعنی معادل ۴۴ درصد از واحدها در تقسیم بندی مرمتی قرار دارند. به عبارت دیگر می توان گفت که بیش از ۸۸ درصد ساختمانها یا تخریبی اند یا نیاز به مرمت اساسی دارند.

از نظر تعداد طبقات در این محله، بخش عمده ساختمان ها یک یا دو طبقه اند و سازه بناها اکثراً فاقد اسکلت فلزی یا بتنی است. مصالح عمده به کار رفته در بناها آجر و خشت و تیرهای چوبی هستند. مطابق بررسی های انجام گرفته ۸۹ درصد واحدهای مسکونی فاقد سازه پایدار می باشند و تنها ۱۰ درصد بناها دارای اسکلت فلزی یا بتنی می باشند. در اکثر موارد، بدنه های بیرونی ساختمان ها نما سازی نشده اند و به همین دلیل نیمه کاره به نظر می رسند.

وضعیت کاربریهای اراضی در محله احمدآباد شامل کاربریهای مسکونی با ۲۳ درصد و اراضی بایر که با ۶۱ درصد بیشترین سطح کاربری ها را به خود اختصاص داده اند. پس از آن شبکه معابر و دسترسی ها با ۱۲ درصد قرار دارد. سایر کاربریها در مجموع تنها ۴ درصد محله را شامل می گردند که شامل یک باب مهد کودک، ۲ باب مسجد، ۱۰ واحد تجاری و ۴ واحد کارگاهی می گردد.

## ۱۰- سنجش میزان اعتماد ساکنین محله احمدآباد

اعتماد مهمترین عنصر در ایجاد یک سیستم مدیریت و برنامه ریزی مشارکتی است. زیرا، تا این شاخص به حد قابل قبولی در جامعه نرسیده باشد نمی-توان در زمینه ارتقاء مشارکت مردمی بخصوص در طرح های شهری امید داشت. به همان نسبت هر اقدامی در جهت افزایش اعتماد مردم به صورت کلی و اعتماد مردم به نهادها و ارگانهای امور شهری به طور خاص می تواند یک اقدام مؤثر در زمینه جذب مشارکت مردم باشد. در این بررسی جهت سنجش میزان شاخص کلی اعتماد برای یک فرد به ارزیابی میزان اعتماد کلی یک فرد به عمومیت مردم ساکن در شهر (اعتماد تعمیم یافته) و همچنین میزان اعتماد او به ارگانها و نهادهای دولتی و عمومی (اعتماد نهادی) پرداخته ایم. اعتماد تعمیم یافته خود ترکیبی از اعتماد به عموم مردم شهر، اعتماد به همسایگان و اعتماد به کسبه و مغازه داران در نظر گرفته شده است. برای سنجش اعتماد نهادی نیز به بررسی اعتماد مردم به مدارس و نهادهای آموزشی، شهرداری و نهادهای مربوط به امور شهر و ارگان های دولتی پرداخته ایم.

در زیر نمونه پرسشنامه مربوط به تحقیق حاضر آورده شده است. از این پرسشنامه به تعداد ۲۲۶ پرسشنامه بصورت اتفاقی در بین ساکنین احمدآباد توزیع شده و نتایج حاصل از آن به صورت آماری در ادامه مقاله حاضر بیان شده است. پاسخگویان میزان اعتماد خود را در طیف، بسیار پایین، پایین، متوسط، بالا، بسیار بالا قرار می گرفت.

نکته قابل توجه آنکه در این پرسشنامه از طیف لیکرت ۱ تا ۵ استفاده شده و در نتیجه می توان گفت حد متوسط این تمامی شاخص ها عدد ۳ می باشد. برای تحلیل بهتر این طیف بدین صورت دسته بندی شده است که اعداد بین ۱ تا ۲.۵ سطح پایین، اعداد بین ۲.۵ تا ۳.۵ حد متوسط و بین ۳.۵ تا ۵ حد بالا در نظر گرفته شده است.

ابتدا شاخص اعتماد تعمیم یافته شامل (همسایگان، کسبه و مغازداران محل، اعتماد به مردم شهر) را مورد بررسی قرار خواهیم داد. بر اساس این پاسخ ها میزان اعتماد تعمیم یافته در کل محدوده مورد مطالعه در سطح پایینی ارزیابی می شود. پایین بودن این شاخص نشان دهنده پایین بودن میزان اعتماد در سطح محلی را نشان می دهد.

شاخص اعتماد تعمیم یافته بر اساس گروه های مربوطه اعتماد بسیار پایین (۲۰٪)، اعتماد پایین (۳۷٪)، اعتماد سطح متوسط (۳۱.۴٪)، اعتماد سطح بالا (۱۰٪) و اعتماد بسیار بالا (۱.۴٪) است و شاخص اعتماد تعمیم یافته در بین گروههای مورد مطالعه ۲.۳۵ درصد می باشد.

در این بخش اعتماد نهادی به مجموعه ارگانها و سازمانهای اداره کننده شهر، مراکز آموزشی و تربیتی و همچنین ادارات و ارگان های دولتی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نهایی این بررسی در جدول ذیل نشان داده شده است.

در بین سه شاخص اصلی اعتماد نهادی تنها اعتماد به مراکز آموزشی و تربیتی در وضعیت متوسط قرار دارد و دو شاخص دیگر حتی از سطح متوسط نیز پایین تر هستند. وضعیت شاخص کلی اعتماد نهادی نیز با ۲.۷۲ نشان دهنده وضعیت متوسطی در میان ساکنین بافت فرسوده شهر می باشد

جدول وضعیت اعتماد نهادی در محله احمدآباد (درصد)

نوع اعتماد	مشخصه	بسیار پایین	پایین	متوسط	بالا	بسیار بالا	میانگین شاخص
اعتماد به مراکز آموزشی و تربیتی	درصد	۲.۶	۵.۷۵	۱۱.۰۶	۲۲.۵۶	۵۸.۰۳	۴.۲
	تعداد	۶	۱۳	۲۵	۵۱	۱۳۱	
اعتماد به شهرداری و شورای شهر	درصد	۵۹.۳۱	۳۱.۸۵	۴.۴۲	۲.۲۱	۲.۲۱	۱.۵۶
	تعداد	۱۳۴	۷۲	۱۰	۵	۵	



# ماهنامه علمی تخصصی پاپا شهر



۲	۴.۸۹	۸.۴۰	۱۴.۶۰	۲۶.۵۴	۴۵.۵۷	درصد	سازمان ها و ارگانهای دولتی
	۱۱	۱۹	۳۳	۶۰	۱۰۳	تعداد	
۲.۶۱							شخص کلی اعتماد نهادی

## ۱۱- یافته های پژوهش، بررسی ویژگی های جمعیتی و اجتماعی

۲۲۶ خانوار نمونه دارای ۹۴۹ نفر جمعیت با بعد خانوار ۴.۲ نفر بوده که از این تعداد ۱۴۰ نفر مرد و ۸۶ نفر زن پاسخگو و پرسشنامه را تکمیل نموده اند و از کل جمعیت نمونه ۸۶ نفر زیر ۳۰ و ۱۹ نفر بالای ۶۱ سال می باشند.

بررسی و تحلیل جامعه نمونه حاکی از آن است که ۹۳ درصد خانوارهای نمونه محله احمدآباد دارای سرپرست مرد و ۷ درصد سرپرست خانوار زن بوده اند. همچنین ۳۸ درصد سرپرست خانوارها در گروه سنی ۳۰-۲۰ ساله، ۲۷ درصد در گروه سنی ۴۰-۳۱ ساله، ۱۷ درصد در گروه سنی ۵۰-۴۱ ساله و ۹ درصد در گروه سنی ۶۰-۵۱ ساله و ۹ درصد در گروه سنی بیش از ۶۱ سال قرار داشته اند. وجود ۳۸ درصد از سرپرست خانوارها در گروه سنی ۳۰-۲۰ ساله نشانگر پایین بودن سن ازدواج به عنوان شاخصی بر سنتی بودن آنها دارد.

بر اساس اطلاعات جمع آوری شده ۲۹ درصد از جامعه نمونه بیسواد، ۳۵ درصد دارای سطح سواد در حد ابتدایی، ۱۷ درصد راهنمایی، ۵ درصد متوسطه (زیر دیپلم)، ۱۲ درصد دارای مدرک دیپلم بوده اند و تنها ۲ درصد سرپرست دارای تحصیلاتی در حد لیسانس و بالاتر بوده است. بالا بودن درصد سرپرستانی که دارای سطح سواد پایین و بی سواد بوده اند نه تنها دلیل بارزی بر پایین بودن استانداردهای زندگی و رفاهی آنها در محله مورد مطالعه است، بلکه دلیلی بر اشتغال آنها در بخش اقتصاد غیررسمی و مشاغل سطح پایین که نیاز به تخصص ندارند، می باشد.

مقایسه وضعیت اشتغال جامعه نمونه قبل و بعد از مهاجرت نشانگر تفاوت چشمگیری در این زمینه است. اطلاعات جمع آوری شده درباره ساختار اشتغال پیشین خانوارهای نمونه، نشان دهنده این واقعیت است که بخش اعظم ساکنان در زادگاه اصلی خود بیکار و یا شاغل موقت در فعالیت کشاورزی (دامداری، کشاورزی) بوده اند. با وجود اینکه بخش قابل ملاحظه ای از ساختار اشتغال مهاجران در موطن اصلی (مبدا) را فعالیت کشاورزی هر چند موقت تشکیل می داده است اما در مقصد با افزایش چشمگیر مشاغل غیرکشاورزی ساختار اشتغال چهره ای کارگر ساده و شغل آزاد پیدا نموده است. بررسی نوع شغل فعلی سرپرستان خانوارهای نمونه مورد مطالعه نشان می دهد که ۱۳ درصد آنها کارگر ساده، ۷ درصد کارگر ماهر (استاکار)، ۶ درصد کاسب و شغل آزاد، ۲۹ درصد خانه دار و ۹ درصد بیکار و ۳۶ درصد سایر شغل با ذکر نام از جمله کارگر کارخانه ای و کارمند موقت بوده اند. میزان درآمد خانوار نمونه نشان می دهد، ۴۹ درصد پاسخگویان میزان درآمد خانوارشان کمتر از ۳۰۰ هزار تومان، بوده است و ۲۸ درصد دارای درآمدی بین ۳۰۱ هزار تا ۵۰۰ هزار تومان و ۲۳ درصد دارای درآمدی بیش از ۵۰۱ هزار تومان دارند. تجزیه و تحلیل این آمار نشان می دهد مهمترین دلیل (درآمد کم) می باشد که این افراد را ناگزیر به سکونت در اینگونه محلات نموده است.

## ۱۲- توزیع فراوانی محل تولد و مبدا مهاجرت

براساس تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به محل تولد پاسخگویان نشان میدهد که محل تولد ۷۱ درصد پاسخگویان از روستایی در همین استان که اکثر آنان از روستاهای درصوفیان، طراقی کرد، طراقی ترک و روستاهای ترکمن نشین منطقه راز و جرگلان و ۲۲ درصد در شهرهای همین استان و ۷ درصد در روستایی در استان دیگر متولد شده اند و کمترین فراوانی مربوط به گزینه شهری در استان دیگری با کسب کمترین مقدار یعنی صفر.

## ۱۳- توزیع فراوانی علت و انگیزه مهاجرت

مهاجرت روستا-شهر دلایل متفاوتی دارد. اصولاً افراد، نظام های شخصیتی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی متفاوتی دارند و این تفاوتها منشأ رفتارهای متفاوت در افراد است. براساس تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط سوال علت مهاجرت نشان میدهد که ۳۳ درصد پاسخگویان علت اصلی مهاجرت خود را دسترسی به امکانات و خدمات رفاهی در شهر می دانستند، پس از آن بیکاری با ۱۹ درصد در رتبه دوم جای می گیرد. به عبارتی بیشتر روستاییان از کمبودهای روستا رنج می برند. کمبودهایی در زمینه کار، درآمد، تسهیلات و غیره. کمترین فراوانی مربوط می شود به گزینه ناامنی محل زندگی سابق با کسب کمترین مقدار یعنی ۲ درصد می باشد.

## ۱۴- توزیع فراوانی مدت سکونت در این محله

سابقه سکونت در شکل گیری سرمایه اجتماعی، برنامه ریزی شهری مشارکتی و بکارگیری راهبرد توانمندسازی بسیار مهم است، زیرا به هر میزان مدت اقامت بیشتر باشد، روابط رو در رو مستحکم تر شده و بسیاری از هزینه های جانبی در پس روابط همسایگی بر خانوارها کمتر تحمیل می گردد. این امر در بالا رفتن روحیه مشارکت بر مبنای توان اجتماعی-اقتصادی خانوار تأثیر بسزائی دارد.

بررسی مدت زمان اقامت خانوار در محله احمد آباد نشان می دهد که ۲۶ درصد خانوارها کمتر از ۵ سال، ۴۴ درصد (۹۹ نفر) بین ۱۰-۵ سال و ۲۱ درصد بین ۱۵-۱۱ سال و ۱۱ درصد بیشتر از ۱۵ سال مدت زمان اقامتشان می گذرد.

از آنجایی که تحرک و پویایی خانوارها، سابق کم سکونت و تحولات سریع محله می تواند از عوامل اصلی عدم نظارت و کنترل و بروز مشکلاتی همچون جرم تلقی گردد. هویت فرهنگی-اجتماعی ساکنی دارای ساختار متفاوت است از این رو مدت زمان اقامت در محله در کنترل آسیب های اجتماعی از





طریق افزایش نظارت های همسایگی و نیز ارتقای سطح مشارکت مردم در بهسازی، نوسازی و بکار گیری رهیافت توانمند سازی سکونتگاه غیررسمی بسیار مهم و موثر است.

## ۱۵- تحلیل میزان زمینه های مشارکت ساکنان در حل مسائل و مشکلات

بررسی میزان مشارکت خانوارهای نمونه در حل مسائل و مشکلات محدوده مسکونی خود حاکی از تمایل ۷۷ درصد از پرسش شوندگان به مشارکت و عدم تمایل ۲۳ درصد به هیچ گونه مشارکتی در محدوده سکونتی می باشد. به عبارتی اکثریت جامعه نمونه تمایلی در حل مشکلات محدوده مورد مطالعه نداشته اند. بنابراین می توان گفت همنوایی افراد محله با وجود سرنوشت و شرایط یکسان و مشترک، در راستای بهبود آن بسیار مناسب می باشد.

زمینه های مشارکت برای درصدی که تمایل به مشارکت داشته اند ۹۰ درصد در زمینه مسائل اجتماعی (مراسم مذهبی، اعیاد، نحوه سرائی و غیره...) و ۸۳ درصد در مسائل اخلاقی بوده است و در ارتباط و با مسائل عمرانی و رفاهی نیز ۹۲ درصدی اظهار تمایل داشته اند. بنابراین در کل زمینه مشارکت در افراد را بسیار قوی و زیاد می توان تلقی کرد.

## ۱۶- تحلیل میزان توجه شهرداری به محله احمدآباد

در جدول ذیل تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به سوال میزان توجه شهرداری به محله احمدآباد از دیدگاه ساکنین محله ۹۳ درصد با فراوانی ۲۱۰ نفر میزان توجه شهرداری به محله احمدآباد را کم و خیلی کم بیان داشته اند. تنها ۳ درصد پاسخگویان با فراوانی ۶ نفر میزان توجه شهرداری به این محله را زیاد و خیلی زیاد دانسته اند.

## ۱۷- تحلیل میزان توجه سایر دستگاه های دولتی و اجرایی به احمدآباد

بر اساس تجزیه و تحلیل اطلاعات مرتبط با سوالات پرسشنامه در خصوص میزان توجه دستگاههای اجرایی به محله احمدآباد نشان می دهد ۹۳ درصد با فراوانی ۲۱۰ نفر میزان توجه سایر دستگاه های اجرایی به محله احمدآباد را کم و خیلی کم بیان داشته اند. تنها ۲.۲۱ درصد پاسخگویان با فراوانی ۵ نفر میزان توجه سایر دستگاه های اجرایی (مانند مسکن و شهرسازی، استانداری و ...) به این محله را زیاد و خیلی زیاد دانسته اند. بنابراین لزوم توجه همه جانبه دستگاه های اجرایی جهت ساماندهی این محله امری اجتناب ناپذیر می باشد.

## ۱۸- تحلیل میزان برخورد شهرداری با ساخت و سازهای غیرمجاز در محله

بر اساس تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به میزان برخورد شهرداری با ساخت و سازهای غیرمجاز در محله نشان می دهد، ۶۴ درصد، با فراوانی ۱۴۴ نفر میزان قاطعیت برخورد شهرداری به ساخت و سازهای غیرقانونی محله احمدآباد را کم و خیلی کم بیان داشته اند و این موضوع گواه عدم نظارت دقیق سازمانهای مربوطه در رعایت مقررات ساخت و ساز می باشد. تنها ۱۵ درصد پاسخگویان با فراوانی ۳۴ نفر میزان برخورد قاطع شهرداری به ساخت و سازهای غیرمجاز در این محله را زیاد و خیلی زیاد دانسته اند.

## ۱۹- تحلیل میزان سرعت و جدیت شهرداری در رسیدگی به مشکلات محله

بر اساس تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به میزان سرعت و جدیت شهرداری در رسیدگی به مشکلات نشان میدهد، ۸۰ درصد با فراوانی ۱۸۲ نفر پاسخ کم و خیلی کم و تنها ۹ درصد با فراوانی ۲۱ نفر پاسخ زیاد و خیلی زیاد عنوان نموده اند. که این موضوع عدم اعتماد اهالی محله را به شهرداری نشان میدهد.

## ۲۰- نتیجه گیری

روند سریع و شتابان رشد شهرنشینی در جهان مسائل و معضلات بسیاری، خصوصاً در کشورهای در حال توسعه به همراه داشته است. محله احمدآباد که حاصل مهاجرت و اسکان برنامه ریزی نشده است در مواجهه با افزایش فزاینده جمعیت دچار معضلات متعددی می باشد که باید آنها را به عنوان واقعیت پذیرفت. اما فرآیند شهرنشینی به ویژه از طریق مهاجرت، با شهری شدن فقر و نهادینه شدن معضلات شهری و اجتماعی همراه است. پیدایش احمدآباد در حاشیه شهر بجنورد با بافت نابسامان و مسکن نابهنجار است که ساکنان آن معمولاً مهاجران روستایی یا قشرهای کم درآمد شهری هستند که فاقد تخصص کاری بوده و به مشاغل کاذب و حاشیه ای می پردازند. در این محله حاشیه نشین مشارکت اجتماعی و تعلق شهروندی متوسط به بالا ملموس می باشد. اما ساکنان از خدمات ارائه شده توسط نهادهای مربوطه در این محله راضی نیستند. فقر فرهنگی و مشکلات مالی ساکنان این منطقه از یکسو و دیدن زندگی شهرنشینی که از امکانات زندگی امروزی بهره مند هستند از سوی دیگر، سبب ایجاد نارضایتی عمیق در بین این بخش از قشرهای جامعه می شود و این امر گاه می تواند دلیلی برای ایجاد آشوب های اجتماعی گردد. بدیهی است که برای بهبود شرایط و بهسازی این محله نیاز به جلب مشارکت ساکنان و بالا بردن حس تعلق به مکان و اعتماد متقابل بین مسئولین و ایشان می باشد.

ساکنین سکونتگاه غیررسمی احمدآباد نمی تواند به تنهایی تغییر و تحول عمده ای در رابطه با بهسازی محیط کالبدی و بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی خود انجام دهند. چون شهر بجنورد دارای معضلات اجتماعی، اقتصادی و کالبدی هستند که با واقع شدن بافت های فرسوده شهری در درون این شهر این معضلات دوجندان نیز می شود، از طرفی در مبحث نوسازی بافت های فرسوده شهری یکی از عوامل مهم و تأثیر گذار در امر نوسازی این بافت ها جلب مشارکت مردمی است که این نیاز خود نیازمند ایجاد فضای اعتماد در میان مردم با یکدیگر و نهادهای دولتی در شهر و محدوده بافت فرسوده شهری دارد. از طرف دیگر نهادهای قانونی نیز به تنهایی قادر به رفع این مشکلات نیستند. برای ایجاد تغییر و بهبود وضعیت، نیاز به مشارکت مردمی به منظور توانمند سازی ضروری است.



# ماهنامه علمی تخصصی پاپا شهر

در راستای بررسی میزان اعتماد (تعمیم یافته و نهادی)، پرسشنامه‌ای در میان مردم پخش و نتایج به دست آمده مورد ارائه واقع شده که نشان از سطح بالا اعتماد در نزد مردم است اما سطح اعتماد نهادی پایی است. بدین منظور پیشنهاداتی در راستای افزایش اعتماد تعمیم یافته و نهادی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

۱. اعتماد سازی بین ساکنان و مسئولین از طریق برگزاری جلسات مشترک
۲. استفاده از نظرات شهروندان در تصمیم سازی های شهری
۳. تقویت روحیه اجتماعی و مشارکتی در محله
۴. اولویت دادن نهاد های دولتی به پروژه های گروهی حاصل از مشارکت شهروندان
۵. ترویج و آموزش اعتماد سازی و فرهنگ مشارکت در مدارس، مساجد و سایر محل های تجمع
۶. انتقال آموزش های لازم در ارتباط با نوسازی و مشارکت و سایر زمینه های مورد نیاز بافت های فرسوده شهری به کودکان و نوجوانان و جوانان و انتقال آن به تمام ساکنین.
۷. ایجاد دفاتر تسهیل گری در ارتباط با مدارس و خانواده ها و نهادهای دولتی
۸. برپایی نمایشگاه و ایجاد رقابت از فرایند مشارکت محله های مختلف
۹. تخصیص تسهیلات اعتباری در جهت افزایش میزان اعتماد بین نهاد های دولتی و مردم
۱۰. تقویت نهاد های مردمی و خودجوش.

## مراجع

۱. افشانی، سیدعلیرضا؛ اعتماد اجتماعی در شهر یزد: تحلیلی از سطوح و عوامل، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، مجله علمی-پژوهشی دانشگاه اصفهان، زمستان ۱۳۸۸، سال بیستم، شماره چهارم.
۲. امیر کافی، مهدی؛ اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن، فصلنامه نمایه پژوهشی، ۱۳۸۰، سال پنجم، شماره ۱۸.
۳. باربارا، میستال؛ ۱۳۸۰، بررسی مفهوم اعتماد در میان جامعه‌شناسان کلاسیک، ناصرالدین غراب، فصلنامه نمایه پژوهش، سال پنجم، شماره ۴۸.
۴. پاپلی یزدی، محمد حسین، نظریه های شهر و پیرامون، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۲.
۵. پیران، پرویز، آلونک نشینی در ایران، بخش پایانی مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۹۲-۹۱، ۱۳۷۴.
۶. پیران، پرویز، شهرنشینی شتابان و ناهمگون، آلونک نشینی در تهران، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۹۲-۹۱، ۱۳۶۶.
۷. چلبی، مسعود؛ جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران، نی، ۱۳۷۵.
۸. حاج‌یوسفی، علی، (۱۳۸۱)، "حاشیه‌نشینی شهری و فرآیند تحول آن (قبل از انقلاب اسلامی)"، هفت شهر، شماره هشتم، سال سوم.
۹. حافظ نیا، محمد رضا، راهبرد توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران از طریق توسعه نهادهای محلی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۶۱، ۱۳۸۰.
۱۰. زاهد زاهدانی، سعید، حاشیه نشینی، چاپ اول، دانشگاه شیراز، ۱۳۶۹.
۱۱. زومکا، پیوتر؛ نظریه جامعه‌شناختی اعتماد، غلامرضا غفاری، تهران، شیرازه، ۱۳۸۶.
۱۲. ساعی، احمد، مسائل سیاسی-اقتصادی جهان سوم، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۸.
۱۳. شریعت زاده، مریم، ساختارهای مورد نیاز جهت مهار و سازماندهی حاشیه نشینی در ایران، مجموعه مقالات حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ۱۳۸۲.
۱۴. شبیانی امین، عیسی و محمد غلامی، اسکان غیررسمی، علل، پیامدها و راه حلها، نمونه موردی: شیرآباد زاهدان، سومین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری، فروردین و اردیبهشت، ۱۳۹۰.
۱۵. شیخی، م، (۱۳۸۰)، فرایند شکل گیری و دگرگونی سکونت گاه های خودرو پیرامون کلان شهر تهران، پایان نامه دکتری شهرسازی، دانشگاه تهران.
۱۶. علی پور، پروین و همکاران، اعتماد و مشارکت، بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت در شهر تهران، مجله جامعه‌شناسی ایران، تابستان، دوره دهم، شماره ۲، ۱۳۸۸.
۱۷. گیدنز، آنتونی؛ پیامدهای مدرنیت، محسن ثلاثی، تهران، مرکز، چاپ اول، ۱۳۷۷.





۱۸. گیدنز، آنتونی؛ تجدد و تشخص، ناصر موفقیان، تهران، نی، ۱۳۷۸.
۱۹. نقدی، اسدا... و رسول صادقی، حاشیه نشینی چالشی فراروی توسعه پایدار شهری (باتاکید بر شهر همدان)، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۰، ۱۳۸۵.
۲۰. وزارت مسکن و شهرسازی، گزارش مرحله چهارم حاشیه نشینی در ایران، علل و راه حل ها، ۱۳۷۳.
۲۱. وزارت مسکن و شهرسازی، گزارش مرحله پنجم حاشیه نشینی در ایران، علل و راه حل ها، ۱۳۷۴.
۲۲. هاروی، دیوید، عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان و دیگران، تهران، شرکت پردازش و برنامه شهری، ۱۳۷۶.
۲۳. هاگت، پیتر، جغرافیای ترکیبی نو، ترجمه شاپور گودرزی نژاد، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۶.
۲۴. هارینگ لوید، لی، درآمدی بر پژوهش جغرافیا، مترجم: محمدعلی مولازاده، انتشارات شهید چمران اهواز، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۲۵. یزدانی بروجنی، فردین، بررسی خصوصیات اختاری حاشیه نشینی در تهران، دانشگاه علوم بهزیستی، ۱۳۸۲.